



## نکات تفسیری جزء دهم قرآن کریم (۱)

خانم ارشد \*

جزء ۱۰ شامل سوره انفال آیه ۴۱ تا آخر سوره، و سوره توبه از ابتدا تا آیه ۹۳ می باشد. سوره انفال مکی است و دارای ۷۵ آیه می باشد؛ در مورد انفال و غنائم و بیت المال بحث می کند؛ به لیله المیث اشاره دارد؛ در رابطه با وضع مشرکان قبل از اسلام، و ضعف مسلمین در ابتدای کار، و تقویت آنان در پرتو اسلام بحث دارد؛ در رابطه با حکم خمس، لزوم آمادگی رزمی، و حکم اسیران جنگی، بحث هجرت و آنها که هجرت نکردند بحث می کند.

چنانچه در حدیثی از امیرالمومنین علی (ع) رسیده است: کسی که سوره های انفال و برائت را در هر ماه بخواند، هرگز روح نفاق در او وارد نخواهد شد، و از پیروان حقیقی امیرالمومنین علی (ع) خواهد بود، در روز رستاخیز از مائده های بهشتی بهره می گیرد؛ تا مردم از حساب خویش فارغ شوند. البته باید دقت کرد که قرائت، مقدمه برای فهم و اندیشه است، و آنچه مورد نظر است درک و اجرای مفاهیم سوره می باشد.





اما سوره توبه مدنی و دارای ۱۲۹ آیه می باشد. قسمت های مهم این سوره، در مورد باقیمانده مشرکان و بت پرستان، و قطع رابطه با آنها و الغای پیمان هائی است که با مسلمانان داشته اند. به خاطر نقض مکرر پیمانها از طرف آنان؛ تا بقایای بت پرستی برای همیشه از محیط اسلام برچیده شود.

قسمت مهم دیگر سوره ی توبه، در مورد منافقان و سرنوشت آنان بحث می کند، و نشانه های منافقان را تبیین می نماید و از این طریق به مسلمین هشدارهای لازم را می دهد. سپس درباره انحراف یهود و نصاری از حقیقت توحید بحث می نماید؛ و متخلفین از جهاد را که با بهانه های مختلف از جهاد سرباز می زدند، سرزنش می کند و سایر مؤمنین را مدح و ستایش می نماید. در این سوره، مباحثی در رابطه با جهاد و جزیه به تناسب مطرح می گردد. این بحث در دو شماره تقدیم خواهد شد.

### سوره ی مبارکه انفال:

آیه ۴۱:

۱- بعد از آیات جهاد، بحث غنائم را مطرح می نماید و در این آیه، یک پنجم غنائم نصیب خدا، پیامبر و ذی القربی (امامان و اهل بیت)، یتیمان و مسکینان و واماندگان در راه (از خاندان پیامبر) می باشد.

۲- چون در بحث تقسیم غنائم، بین مسلمین مشاجره بود، در آیه می فرماید: اگر ایمان به خدا دارید و ایمان به وحی دارید، باید به این دستور عمل کنید. کنایه از اینکه ادعای ایمان کافی نیست.

۳- با عبارت شریف «والله علی کل شی قدیر»، اشاره به قدرت نامحدود الهی می کند، و یادآوری این نکته که مومنین در میدان بدر در اقلیت بودند، ولی خدای قادر توانا دشمن را که برتری چشم گیری بر مسلمانان داشت، شکست داد.

۴- در این آیه، به جنگ بدر «یوم الفرقان» گفته شده است؛ یعنی روزدرگیری طرفداران کفر با طرفداران ایمان. در این روز وعده ی پیروزی که خداوند قبلا داده بود، به تحقق پیوست.

۵- در این آیه، از جنگ بدر به «یوم التقی الجمعان» نیز تعبیر شده است.

۶- منظور از ذی القربی، امامان و اهل بیت (ع) هستند که روایات متواتری در تأیید این مطلب وارد شده است. اگر ذی القربی را همه ی خویشان پیامبر بدانیم، بحث امتیاز دادن اسلام به قوم و قبیله پیش می آید؛ درحالی که اگر ذی القربی را طبق روایت، تنها امامان بدانیم، امام همان رهبر حکومت اسلامی است، که نیاز جامعه



- و مردم را با این سهم برآورده می کند .
- ۷- منظور از یتیمان و مسکینان و واماندگان در راه، تنها بنی هاشم و سادات می باشند. از آنجا که زکات بر بنی هاشم و سادات به طور مسلم حرام است ، نیازمندان بنی هاشم از طریق خمس اداره می شوند .
- ۸- منظور از غنیمت در این آیه طبق سنت و روایات، تنها غنایم جنگی نیست، بلکه هر گونه درآمدی را شامل می شود؛ مثل درآمد گنج و معدن و غواصی در دریا؛ زیرا که در لغت به همه ی این ها غنیمت گفته می شود. لذا آیه ی غنیمت، بنا بر جمع بندی تفسیر مفسران شیعه، معنی وسیعی دارد و هر گونه درآمد و سود و منفعتی را شامل می شود، زیرا معنی لغوی این لفظ، عمومیت دارد و دلیل روشنی بر تخصیص آن، در مسأله ی جهاد نیست .
- ۹- در مورد تعلق خمس به سادات و غیر سادات، تبعیضی وجود ندارد؛ چون اولاً : نیمی از خمس به نیازمندان سادات داده می شود؛ ثانیاً سادات حق استفاده از زکات را ندارند، ثالثاً : اگر خمس بیش از نیاز سادات بود، حاکم شرع می تواند آن را به بیت المال برگرداند.
- ۱۰- تنها تفاوت خمس و زکات در این است که خمس از درآمد های حکومت تامین می شود، ولی زکات جزء اموال عمومی جامعه اسلامی محسوب می شود و در حقیقت، محروم بودن سادات از دست یابی به اموال عمومی، برای دور نگه داشتن خویشاوندان پیامبر (ص) از اموال عمومی است؛ که بهانه ای به دست مخالفان نیفتد. در حدیثی از صحیح مسلم، مطلب فوق تأیید می شود؛ فضل بن عباس و عبدالمطلب بن ربیع که هر دو جوان بودند، تقاضا کردند که مأمور جمع آوری زکات شوند، تا از محل زکات وسیله ی ازدواج آنها فراهم شود، و حضرت رسول (ص) از اجابت این تقاضا امتناع ورزیدند و از محل خمس هزینه ی ازدواج آنان را فراهم نمود.
- ۱۱- عنوان «لله» به خاطر اهمیت بیشتر روی اصل خمس است، و تأکید و تثبیت ولایت و حاکمیت پیامبر (ص) و رهبر حکومت اسلامی است. همان گونه که خداوند سهمی برای خویش قرار داده و خود را سزاوار به تصرف در آن دانسته، به پیامبر (ص) و امام (ع) نیز، به همان گونه حق ولایت و سرپرستی و تصرف داده است؛ یعنی سهم خداوند در اختیار پیامبر (ص) قرار دارد و در مصارفی که ایشان یا امام (ع) صلاح می دانند، مصرف می شود و خداوند نیاز به سهمی ندارد .





## آیه ۴۲ :

۱- در این آیه شریفه، «عُدوَه» از ماده «عَدُو» به معنای تجاوز کردن است؛ البته به حاشیه و اطراف هر چیز نیز عَدُو گفته می شود؛ زیرا از حد وسط به یک جانب تجاوز کرده و در این آیه، عَدُو به معنای جانب است.

۲- دنیا از ماده «دُنُو» به معنی پایین تر و نزدیک تر، و اَقْصَى و قُصْوَى به معنی دورتر است.

۳- آیه اشاره به این مطلب دارد، که کاروان ابوسفیان در نقطه ی پایین تری قرار داشت، و اگر مسلمانان مسیر کاروان ابوسفیان را گم نمی کردند، شاید با او درگیر می شدند و دیگر جنگ بدر و آن پیروزی عظیم پیش نمی آمد.

۴- آن قدر شرایط جنگ بدر سخت بود، که اگر به شکل « ليقضى الله امرا كان مفعولا » صورت نمی گرفت؛ یعنی مسلمانان در عمل انجام شده قرار نمی گرفتند، بسیار بعید بود که با آن شرایط و موقعیت ضعیف، قبول جهاد کنند و در میعاد خود اختلاف نکنند.

۵- خواست خداوند در جنگ بدر، بر این مطلب قرار گرفت که در این پیروزی معجزه آسا، حق از باطل شناخته شود و آنها که گمراه می شوند، با اتمام حجت و آنها که حق را می پذیرند، با آگاهی و دلیل آشکار باشد.

۶- در آیه شریفه، منظور از حیات و هلاکت، هدایت و گمراهی است.

۷- آیه شریفه با «ان الله لسمیع علیم» تمام می شود، شاید اشاره به این نکته باشد که خداوند فریاد استغاثه ی شما را شنیده و از نیات شما با خبر است، و به همین دلیل شما را پیروز کرده است.

## آیه ۴۳ :

۱- رسول الله (ص) قبل از جنگ بدر، در خواب تعداد دشمن را کم دیدند، و از این رؤیا تعبیر به پیروزی کردند.

۲- اگر خداوند عدد دشمن را در خواب رسول الله (ص) زیاد نشان می داد، مسلمانان بعد از شنیدن خواب سست می شدند.

۳- رسول الله (ص) در خواب، چهره ی باطنی جنگ بدر را مشاهده فرمودند؛ یعنی تعداد دشمن در مقابل قدرت حضرت حق جل و علا بسیار ناچیز جلوه نمود.

## آیه ۴۴ :

۱- در این آیه، اشاره به مطلب قابل توجهی است که به خواست حضرت حق- تبارک و تعالی- دشمن به چشم مسلمانان کم نموده شد؛ که آنها وحشت نکنند، و



از طرفی مسلمین هم در نظر دشمن کم جلوه داده شدند؛ به طوری که ابوجهل به کنایه گفت یاران محمد (ص) به اندازه ی خوراک یک شترند .

۲- سرّ اینکه مسلمانان در نظر کفار کم به نظر می آمدند، این بود که آنها از جنگ منصرف نشوند. و سرّ اینکه کفار در نظر مسلمانان کم جلوه کردند، این بود که مسلمین بر ترس و واهمه ی خود غلبه کنند

۳- در حین جنگ (۱۳ آل عمران)، ارتش دشمن از حملات صاعقه وار مسلمین به وحشت افتادند. در آیه مورد بحث از روحیه کفار قبل از جنگ خبر می دهد، ولی در سوره آل عمران از روحیه آنها بعد از جنگ خبر می دهد.

**آیات ۴۵، ۴۶ و ۴۷:**

۱- در آیات مبارکه فوق، به ۶ دستور در مورد جهاد اشاره شده است:

(۱) یکی از نشانه های بارز ایمان، ثابت قدمی است؛ لذا در آیات فوق، اولین شرط جهاد را در مقابل با دشمن، ثابت قدم می داند. (۲) دومین شرط جهاد، یاد فراوان حضرت حق است. «واذکروالله کثیراً» (۳) مهم ترین برنامه های مبارزه، توجه به مسأله رهبری است. «اطیعواالله ورسوله» (۴) شرط جهاد، پرهیز از نزاع و تفرقه است؛ چون اولین اثر آن ناتوانی و ضعف سپاه می شود. «لا تنازعوا» و نتیجه این سستی، از بین رفتن عظمت و هیبت است و به دنبال آن، مثل اینکه باد شما را از بین ببرد. (۵) شرط دیگر جهاد، استقامت و صبر است. «واصبر...» (۶) مسلمانان در جهاد؛ باید از اعمال غرور آمیز و ابلهانه و سست و توخالی پرهیزند، و مانند کفار که با غرور و هواپرستی و خودنمایی آماده ی جهاد شدند، نباشند. بنابراین نباید رفتار ما مثل کفار باشد؛ چون هدف آنها «یصدون عن سبیل الله» است.

۲- باید به این نکته دقت کرد که کفار، هم هدفشان نامقدس است، هم وسایل رسیدن به هدفشان. در هر صورت، خداوند به کارهای افراد محیط است.

**آیه ۴۸:**

۱- در آیات قبل، چگونگی حمایت فرشتگان از جنگ جویان بدر به نمایش گذاشته شد. در اینجا، بحث از حمایت نافرجام شیطان از مشرکان است.

۲- ابتدا شیطان اعمال کفار و منافقان را در برابرشان زینت داد، تا به آنها دلگرمی بدهد.

۳- زینت شیطان، بدین گونه است که به گونه ای شهوات و هوسها را وسوسه می کند، که انسان مجذوب آن عمل می شود، تا آنجا که عمل ناپسند را هم پسندیده فرض می کند.





۴- خصوصیت بعدی شیطان، این است که خود را همسایه و حمایت گر قلمداد می کند.

۵- شیطان بعد از دیدن حمایت فرشتگان، به عقب برگشت و حتی از کفار ابراز بیزاری کرد.

۶- شیطان برای عقب نشینی دو دلیل داشت: ۱- «انی اری مالاترون»؛ آنچه من می بینم مشرکین نمی بینند

۲- «انی اخاف الله»؛ از عذاب ترسید.

۷- در اینکه شیطان به چه شکل ظاهر شد، چند نظر وجود دارد: ۱) از طریق وسوسه ی باطنی؛ ۲) تجسم به شکل انسانی.  
آیه ۴۹:

۱- در حوادث جنگ بدر، منافقان و بیماردلان می گفتند: مسلمانان به دین خود، مغرور شده اند و با خیال و وهم و اسلحه ناپیروز پا به صحنه ی خطر گذاشتند.

۲- ریشه ی این فکر منافقان در آیه شریفه، عدم ایمان و آگاهی از الطاف و امدادهای غیبی است؛ درحالی که هرکس به خدا توکل کند، از یاری خدا برخوردار است.

آیات ۵۰ و ۵۱:

۱- در این آیه، صحنه مرگ کفار مجسم می شود؛ به این صورت که فرشتگان مرگ، به صورت و پشت آنها می زنند و می گویند: از عذاب الهی بچشید. «عذاب الحریق» در آیه شریفه اشاره به عذاب قیامت دارد.

۲- عذاب آنها به خاطر اعمالی است که خودشان با دستان خویش پیش فرستادند.

۳- هرگونه مجازات در این جهان و جهان دیگر، از ناحیه ی خود افراد است؛ زیرا آیه شریفه می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ».

آیه ۵۲:

- آیه فوق به سنت الهی اشاره می کند، که سرنوشت مشرکان بدر، مثل سرانجام دودمان فرعون است. یعنی تنها قریش و مشرکان نیستند که با انکار آیات دچار کیفر گناه می شوند، بلکه این یک قانون جاودانه است.

آیه ۵۳:

۱- در این آیه ی شریفه، ریشه ی واقعی مسأله، مورد بررسی قرار می گیرد و آن اینکه، خداوند هر نعمت و موهبتی به قومی ببخشد، هیچ گاه آن را دگرگون نمی کند؛ مگر اینکه خود آن جمعیت دگرگون شوند و تغییر یابند.

۲- فیض رحمت الهی بی کران است؛ ولی به تناسب شایستگی ها داده می شود.





۳- شکر نعمت الهی، نعمت را پایدار می کند، ولی طغیان و سرکشی آن را تبدیل به بلا می کند.

۴- در حدیثی از امام صادق (ع) می خوانیم: خداوند نعمتی را که به بنده ای بخشیده از او نمی گیرد، مگر آنکه گناهی کند که به خاطر آن، مستحق سلب آن نعمت شود.

آیه ۵۴:

۱- قرآن کریم باز اشاره به حال قدرتمندان فرعون می کند و می فرماید: عادت بت پرستان مکه در مورد سلب نعمت ها، مثل وضع و حال فرعونیان بود.

۲- هردو گروه، آیاتی را که باعث هدایت و تقویت و سعادت بود، زیر پا گذاشتند و به خاطر گناهانشان هلاک شدند.

۳- تکرار این آیه، در فاصله ای کوتاه، یکی اشاره به مجازات الهی در مقابل انکار آیات دارد و دیگری اشاره به سلب نعمت هاست. (آیه ۵۲ و ۵۴)

آیه ۵۵:

۱- در آیه شریفه، بی ارزش ترین جنبنندگان نزد خدا کسانی هستند که راه کفر را پیش گرفته اند.

۲- با توجه به اینکه بسیاری از یهودیان مدینه، قبل از ظهور اسلام مژده پیامبر را می دادند؛ ولی بعد از ظهور، ایمان نیاوردند؛ چون منافع مادی ایشان اجازه نداد، در هر صورت، آن چنان سر سختی نشان دادند که امید به ایمانشان نمی رفت؛ لذا از آنان به بی ارزش ترین جنبنندگان یاد شده است.

آیه ۵۶:

۱- مهم ترین خصوصیت افرادی که در آیه قبل به آنها اشاره شد، این بود که عهد شکن بودند.

۲- بی پروا بودند؛ یعنی نه از خدا، نه از زیر پا گذاشتن اصول انسانی پروا داشتند.

آیه ۵۷:

- در این آیه، طرز برخورد با چنین افرادی، اینگونه بیان شده که در میدان جنگ، چنان بر آنان بکوب که جمعیت های پشت سر آنها هم عبرت بگیرند و پراکنده شوند. عبارت «شرد» از ماده تشرید در آیه شریفه، به معنی همین پراکنده شدن توأم با اضطراب است.





## آیه ۵۸ :

—در این آیه، به پیامبر(ص) اجازه داده شده که در هنگام ترس از خیانت و پیمان شکنی دشمن، پیمان آنها را لغو کند؛ البته این ترس از پیمان شکنی، به خاطر زمینه هایی است که پیامبر(ص) در مورد عهد شکنی از ایشان دیده بود.

## آیه ۵۹ :

—به گروه پیمان شکن هشدار می دهد، که فکر نکنید با خیانت پیروز می شوید، و از قلمرو قدرت الهی خارج می شوید، چرا که خداوند هرگز عاجز نخواهد شد .

## آیه ۶۰ :

۱- در این آیات، دستوراتی در مورد جهاد داده شده است؛ مثل اینکه آماده رزم باشید؛ یعنی منتظر حمله دشمن نباشید و قبل از آن خود را آماده کنید . به اندازه ی کافی ادوات جنگ ( که در آن زمان، اسب ماشین جنگی به حساب می آمده ) تهیه کنید .

۲- کلمه قوه در آیه ی شریفه، تنها وسیله جنگی مدرن را در بر نمی گیرد، بلکه تمام قدرت هایی را که به نوعی در پیروزی مؤثرند در بر می گیرد، مثل تقویت روحیه ی ایمان در سربازان. در هر صورت، قدرت اقتصادی، فرهنگی و سیاسی، همه در مفهوم قوه مندرج است .

۳- در زمینه قوه، روایات جالبی وجود دارد؛ مثلاً در جنگ احد پیامبر(ص) در مقابل شعار «اعل هبل» سربلند باد بت هبل، فرمودند: مسلمین شعار «الله اعلى و اجل» را بگویند. یعنی حتی در تبلیغات هم باید آن قوه و قدرت نشان داده شود. یا در برخی روایات، اشاره به رنگ کردن موهای سپید دارد؛ تا دشمن از جوان بودن سپاه اسلام به هراس بیفتد. بنابر این، قوه مصادیق بسیار دارد.

۴- رمز جاودانگی اسلام، کهنه نشدن محتویات آن است و در زمان ما نیز کلمه ی قوه جامعیت خود را دارد .

۵- در آیه ی شریفه، هدف نهایی تهیه سلاح و افزایش قدرت جنگی، ترساندن دشمنان خدا معرفی شده است .

۶- باید توجه داشت ترساندن دشمن، خود یک هدف جنگی است؛ چون ترس آنها منجر به شکستشان می شود .

۷- در آیه شریفه، تعبیر «فی سبیل الله» روشن می کند که جهاد و دفاع، نه به شکل کشورگشائی، نه توسعه طلبی، نه غارتگری است؛ بلکه همه، باید برای خدا و در مسیر احیای حق و عدالت حرکت کنند.







۸- یک مسأله قابل توجه در آیه شریفه، این است که با افزایش آمادگی جنگی، علاوه بر دشمنانی که می شناسید، آن دشمنانی را هم که نمی شناسید می ترسند و سر جای خود می نشینند.

۹- ممکن است مقصود دشمنان شناخته نشده منافقان باشند که در آیه ۱۰۱ توبه به آن تصریح شده است.

۱۰- در پایان آیه، اشاره به این موضوع دارد که تهیه نیرو و قوه ی کافی و اسلحه ی جنگی، نیاز به سرمایه مالی دارد و بدانید مسلمانان هر چه در این راه بدهند، انفاق در راه خدا حساب می شود، و بیشتر از آنچه داده اند به آنان باز می گردد .

۱۱- در آیه شریفه می فرماید: « ما تنفقوا من شیء » : کلمه ی شیء معنای وسیعی دارد؛ یعنی هر گونه چیزی اعم از جان، مال، قدرت فکری، نیروی منطقی و هر گونه سرمایه دیگر که در راه تقویت نظامی انفاق کنید، از خدا پنهان نمی ماند .

۱۲- دشمنان اگر بترسند، توانایی بر ظلم ندارند؛ پس هدف از جهاد کشتار نیست، بلکه با ترساندن دشمن، جلوی تجاوز و زورگویی گرفته خواهد شد.

#### آیات ۶۱ و ۶۲:

- این آیه اشاره دارد به اینکه، ممکن است پیشنهاد مشرکین برای صلح، نیرنگی باشد تا با تأخیر جنگ، آمادگی پیدا کنند. لکن «فان حسبک الله»، خدا برای تو کافی است، پس خداوند رسول الله (ص) و مسلمانان پاکدل را تقویت می کند؛ چنان که بارها بر نقشه های خطرناک دشمن غالب شده اند .

#### آیه ۶۳:

۱- اشاره دارد به اینکه، این مؤمنانی که اطراف تو جمع شده اند، قبلاً مردمی پراکنده بودند که به نور هدایت الهی، الفت در قلوب آنان ایجاد شد. گواه بر این مطلب آن است که، قبیله ی اوس و خزرج سالها در مدینه دشمنی و خون ریزی داشتند، ولی خداوند قادر، در پرتو اسلام همه ی آنها را در یک صف بر علیه کفار قرار داد .

۲- برقراری الفت بین قلوب مؤمنین، از طرق مادی و عادی امکان پذیر نبود. آیه صریحاً می فرماید: اگر تمام آنچه در زمین بود، خرج می کردی، نمی توانستی بین قلوب مسلمین الفت برقرار کنی .

۳- از آن جایی که خدا عزیز است، هیچ کس یارای مقاومت با او را ندارد، همچنین حکیم است و همه ی کارهایش روی حساب و کتاب است؛ لذا با برنامه ای حساب شده، دل های پراکنده را متحد کرد.





## آیه ۶۴ :

۱- در این آیه، برای تقویت روحیه رسول الله (ص) می فرماید: ای پیامبر! خداوند و این مؤمنانی که از تو پیروی می کنند، برای حمایت تو کافی هستند .  
 ۲- ظاهراً یهود و بنی قریظه و بنی نظیر گفتند: ما حاضریم که تسلیم تو شویم و تو را یاری کنیم؛ ولی حضرت حق از رسول الله (ص) می خواهد به ایشان اعتماد نکند، بلکه تکیه گاهش فقط خدا و مؤمنین باشند .

## آیه ۶۵ :

۱- در این آیه، خداوند از رسول الله (ص) تشویق به جهاد، و تحریص مؤمنین به جهاد را می خواهد .  
 ۲- اگر مسلمانان یک دهم نفرات دشمن هم باشند، باز وظیفه ی جهاد بر آنها واجب است و علت این حکم، این است که دشمنان بی ایمان جمعیتی هستند که نمی فهمند و تنها روی عادت و تقلید و تعصب می جنگند؛ پس اگر نفراتشان هم زیاد باشد، ضعیفند؛ ولی مسلمین با هدف مقدس جهاد می کنند؛ لذا با افراد کم هم انگیزه استقامت دارند .

## آیه ۶۶ :

۱- در این آیه، اشاره دارد به این که اگر جمعیت شما نصف کفار بود، وارد جنگ شوید. این آیه، آیه ی قبل را نسخ نمی کند، بلکه گروه ها مختلف هستند، گاهی آنقدر افراد مصمم هستند، که یک دهم تعداد دشمن نیز برای جهاد کافی است، و گاهی به علت سستی یا ضعف مسلمین، تعداد ارتش دشمن برای جهاد کافی است .  
 ۲- شک نیست موزانه قوا، به ظاهر یکی از عوامل پیروزی است ، لکن باید توجه کرد که در آیه شریفه، برای تعداد کم مسلمین، لفظ صابره و صابرون را به کار برده؛ لذا صبر و استقامت جبران تعداد را می کند. از طرفی استفاده از ضعف «لایفقهون» و بدون انگیزه ی مقدس بودن دشمن، به علاوه اذن الهی و امداد و کمک او برای مسلمانان ضعف تعداد را جبران می کند .

## آیه ۶۷ :

۱- در این آیه، اشاره دارد به این که هیچ پیامبری تا زمانی که در جنگ سیطره و سلطه پیدا نکرده، حق اسیر گرفتن ندارد. چه بسا مسلمانان ترجیح می دادند که اسیر بیشتر بگیرند و برای آزاد کردن آنها فدیة دریافت کنند، در حالی که تا وقتی پیروزی و سلطه در جنگ قطعی نشده، سرگرم شدن به اسیر گرفتن، جنگجویان را از اصل جهاد بازمی دارد .





۲- درآیه شریفه، اشاره می کند به این نکته که کسانی که از این حکم سرباز می زنند، به دنبال جنبه های مادی هستند؛ در حالی که خداوند سعادت پایدار اخروی را برای مسلمین می خواهد .

۳- آیه شریفه، با «والله عزیز حکیم» تمام می شود؛ به این معنا که دستور فوق، آمیخته ای از عزت و پیروزی و حکمت و تدبیر است .

آیه ۶۸ :

۱- در این آیه، می فرماید: اگر فرمان سابق خدا نبود؛ یعنی او بدون ابلاغ، امتی را کیفر نمی کرد، مجازات بزرگی به خاطر اسیر گرفتن در حین جنگ، برای شما بود .

۲- درآیه ی مذکور، مخالفتی با فدیة گرفتن نشده ، چنان که در سوره ی محمد (ص) آیه ۴، دستور آن رسیده است؛ لکن اینجا قبل از پیروزی و تسلط است، و نباید اسیر گرفت و بعد از غلبه بر دشمن می توان آنها را اسیر گرفت .

آیه ۶۹ :

- این آیه، اشاره به مبلغ فدیة دارد که پاک و طیب است، و همچنین غیر از فدیة سایر غنائم را هم شامل می شود؛ لکن باز تأکید به تقوای الهی می نماید .

آیه ۷۰ :

۱- در این آیه، خداوند از رسول الله (ص) می خواهد، که با بیان دلگرم کننده ای اسیران جنگی را به سوی ایمان دعوت کند .

۲- مسأله مهم در مورد اسیران جنگی از نظر اسلام، مسأله اصلاح و تربیت و هدایت آنهاست؛ چون هدف از جهاد، تعمیم حق و عدالت است .

آیه ۷۱ :

ممکن است برخی از اسیران، از برنامه های اصلاحی پیامبر سوء استفاده کنند، و با اظهار اسلام، به قصد خیانت در صفوف مسلمانان قرار گیرند. در این آیه می فرماید: خیانت آنان چیز جدیدی نیست، ولی آنان نباید فراموش کنند که خدا، پیامبر(ص) و یارانش را پیروز می گرداند .

آیه ۷۲ :

۱- این آیه، اشاره به مهاجرین و انصار می کند. برای مهاجرین چهار صفت ایمان هجرت ، جهاد مالی و اقتصادی ، جهاد با جان را بیان می کند، و برای انصار دو صفت پناه دادن و یاری کردن را بیان می کند .

۲- هر دو گروه مهاجرین و انصار را «بعضهم اولیاء بعض» خطاب می نماید، که همچون تار و پودی از یکدیگر بی نیاز نیستند.





۳- آیه فوق، اشاره به گروه سَوم دارد، که ایمان آوردند ولی مهاجرت نکردند؛ لذا می فرماید: هیچ گونه ولایت و تعهد و مسؤولیتی درمورد آنان ندارید، مگر اینکه آنها تحت فشار یاری بطلبند؛ آن هم در صورتی که با دشمن آنان، پیمان ترک مخاصمه نبسته باشید. در صورتی که با دشمن آنان، پیمان ترک مخاصمه بسته اید، به پیمان خود وفادار بمانید.

۴- آیه با «والله تعلمون بصیر» تمام می شود و اشاره دارد به اینکه، خداوند از همه تلاش ها و کوشش ها و مسؤولیت ها آگاه است و سستی و عدم احساس مسؤولیت در برابر این وظایف بزرگ با خبر می باشد.  
آیه ۷۳:

۱- پیوند کفار تنها با خودشان است، و شما حق پیوند با آنها را ندارید و به آنها نباید پناه دهید.

۲- پناه دادن به کفار، باعث فتنه و فساد عظیم می شود.

آیه ۷۴:

۱- در این آیه، صحبت از مؤمنان حقیقی است که در روزهای سخت و دشوار و غربت و تنهایی اسلام، هر کدام به نوعی به یاری خدای تبارک و تعالی و پیامبر (ص) پرداختند. مهاجرین با هجرت خود، و انصار با پناه دادن به ایشان.

۲- پاداش فداکاری آنها، مغفرت و رزق کریم است.

آیه ۷۵:

۱- اشاره به چهارمین گروه مسلمین دارد، که بعداً ایمان آوردند، و مهاجرت کردند و در جهاد شرکت کردند. آنها نیز از مؤمنین هستند.

۲- همیشه آغوش جامعه اسلامی، به سوی مؤمنان و مهاجران آینده باز است.

۳- بعد از بیان ولایت و اولویت عمومی مسلمانان نسبت به یکدیگر، آیه تأکید دارد که این ولایت و اولویت، نسبت به خویشاوندان مسلمانان قوی تر است.

۴- این اولویت و ولایت، فقط در مسأله ی ارث نمی باشد.

۵- آخرین کلام سوره ی انفال، با «ان الله بكل شیء علیم» تمام می شود.

سوره ی مبارکه توبه:

۱- مفسران برای این سوره، نام هایی ذکر کرده اند: برائت، توبه و فاضحه. برائت از آن جهت است که در آغاز سوره، خداوند بیزاری خود را از مشرکان پیمان شکن





نشان می دهد. و توبه از آن جهت است که در این سوره، سخن از توبه بسیار به میان آمده است و فاصله از آن جهت است که آیات مختلفی از این سوره باعث رسوایی و فضاحت منافقان می شود.

۲- سوره ی توبه، از آخرین سوره هایی است که بر پیامبر (ص) نازل شد.  
 ۳- آغاز نزول سوره، در سال نهم هجری بود، و قسمتی از آن پیش از جنگ تبوک، و قسمتی هنگام آمادگی برای جنگ، و قسمتی بعد از جنگ نازل شده است.  
 ۴- این سوره از آن جهت که با اعلان جنگ با دشمن شروع شده است، «بسم الله الرحمن الرحیم» که نشان صلح و دوستی است، ندارد.

۵- یک واقعت تاریخی در مورد ابلاغ این سوره به مشرکین موجود است، که پیامبر (ص) ابتدا سوره براءت را با ابوبکر فرستاد، که برای مردم مکه بخواند، ولی بعد جبرئیل نازل شد و فرمود: این آیات را یا خودت بخوان، یا «رجل منک»، که پیامبر (ص) به دنبال ابوبکر فرستادند و آیات را از او گرفتند؛ و به امیر المؤمنین علی (ع) دادند و در جواب ابوبکر که ناراحت بود، فرمودند: «و لکن جبرئیل جائی فقال لن یؤدی الا انت أو رجل منک» این مطلب از امتیازات امیر المؤمنین علی (ع) است.

### آیات ۱ و ۲:

در این آیه، اعلام می فرماید: هر گونه پیمانی که مشرکین با مسلمانان داشته اند، لغو خواهد شد و یک مدت چهار ماهه تعیین می شود، که در این مدت بیندیشند و وضع خود را روشن سازند.

۱- این لغو پیمان، بدون مقدمه نبوده و نشانه های نقض پیمان از طرف مشرکین دیده شد؛ لذا منطقی است که پیامبر (ص) اعلام لغو پیمان کنند.

۲- این پیمان با مشرکین، به جهت شرایط خاص، بر مسلمین تحمیل شده بود؛ لذا حال که موانع برطرف شده بود، مانعی برای لغو یک جانبه ی پیمان وجود نداشت.

۳- به خاطر رعایت اصول انسانی، پیامبر (ص) چهار ماه فرصت دادند.

### آیه ۳:

۱- در این آیات، باردیگر بر موضوع الغای پیمان تأکید می شود. ۱۰ ذی الحجه، از آن جهت حج اکبر گفته شده، که تنها در آن سال مسلمانان و کفار با هم در حج بودند، و در سال بعد موقوف شد.

۲- در حقیقت اعلام عمومی درسرزمین مکه، راهی است که جلوی بهانه جویی





دشمن را می گیرد .

۳- در این آیه، باز بحث توبه مطرح می شود و توبه را خیر و به نفع مشرکین می داند، و هشدار می دهد که مشرکین هرگز نمی توانند از قلمرو الهی خارج شوند .  
۴- به کفار بشارت عذاب داده می شود .

آیه ۴ :

۱- این الگوی یک جانبه ی پیمان، فقط مخصوص کسانی بود که نشانه هایی از پیمان شکنی در آنها ظاهر شده بود؛ و الا آن دسته که گامی بر خلاف پیمان برنداشته بودند، استثنا شدند و توصیه به وفاداری، تا پایان مدت پیمان با این گروه شد . برخی مورّخین، این گروه را طایفه بنی کنانه و بنی خمره معرفی می کنند .

۲- از روایات برمی آید که، امیرالمؤمنین علی (ع) مأمور بودند که چهار موضوع را ابلاغ کنند :

۱) الگوی پیمان مشرکین؛ (۲) عدم حق شرکت آنها در مراسم سال بعد؛ (۳) ممنوع بودن طواف عریان در کعبه؛ (۴) ممنوع بودن ورود مشرکان به خانه ی خدا.

آیه ۵ :

۱- در این آیه، اشاره می شود به این که بعد از پایان گرفتن مهلت، مشرکان را هر کجا یافتید به قتل برسانید، یا اسیر کنید، یا محاصره کنید، مگر اینکه توبه کنند، نماز بخوانند و زکات پردازند در این صورت آنها را رها کنید .

۲- این شدت عمل، برای ریشه کن کردن بت پرستی لازم بود، ولی به معنی بسته بودن راه بازگشت نبود و همچنان راه توبه باز بود.

آیه ۶ :

اگر یکی از بت پرستان درخواست پناهندگی کرد، خداوند از رسول الله (ص) می خواهد که به او پناه بدهد، تا سخن خدا را بشنود.

۱- خداوند از رسول الله (ص) می خواهد، که با آرامش رفتار کند، تا هر کس آزادانه به بررسی محتوای دعوت تو پردازد، و تا پایان مدت مطالعه امنیت داشته باشد.

۲- این رفتار برای آن است که آنها قومی بی اطلاع و ناآگاه بودند؛ چرا که بت پرستی، زائیده ی جهل است و باید به آنها فرصت داد که در راه توحید که زائیده ی علم و دانش است، گام نهند؛ چنان که یکی از کفار از علی (ع) در خواست مهلت و ملاقات با رسول الله (ص) را کرد .

۳- سخت گیری آیه پیش، با نرمش این آیه تعدیل می شود .

۴- مقصود از «شهر حرم» همان چهار ماه مهلت است. از ۱۰ ذی الحجه تا ۱۰ ربیع الثانی.





## آیه ۷:

۱- چنان که در آیات قبل فرمود: اسلام پیمان های مشرکان و بت پرستان را مگر گروه خاصی لغو کرده است و نباید انتظار داشت که مشرکان با این همه اعمال خلافشان، به پیمانشان وفادار بمانند.

۲- در این آیه، بازگروهی راکه در مسجد الحرام با پیامبر(ص) پیمان بستند، و به پیمانشان وفادار ماندند، استثنا می کند.

## آیه ۸:

۱- در این آیه، باز تأکید آیات قبل است که اگر کفار غالب شوند، نه مراعات خویشاوندی را می کنند، نه پیمان را .

۲- مشرکین با الفاظ دلنشین، قصد فریب دارند؛ لذا آیه می فرماید: آنها با زبان می خواهند شما را راضی کنند، ولی در قلبشان ابا دارند .

## آیه ۹:

۱- آیه قبل این چنین تمام شد، که بیشتر کفار فاسقند. در این آیه نشانه های فسق را می گوید از جمله

اینکه: مشرکین آیات و نشانه های الهی را با بهای کم معامله می کنند، و به خاطر منافع زودگذر مادی، مردم را از راه خدا باز می دارند .

۲- سد راه دیگران شدن بدترین عمل است؛ که انسان هم بار گناه خویش را بکشد، هم بار گناه دیگران را .

## آیه ۱۰:

۱- باز آیه تأکید دارد بر این که مشرکین، در مورد هیچ فردی کمترین ملاحظه ای ندارند؛ چرا که اینها اصولاً مردمی تجاوزگرند نه به خویشان خود، و نه به عهد خود وفا دارند .

۲- تنها تصمیم کفار بر پیمان شکنی به هنگام قدرت، مجوز برای لغو یک جانبه پیمان نیست؛ بلکه آنها عملاً نشان داده بودند که هر جا دستشان برسد، ضربه می زنند و این مقدار برای لغو پیمان کافی است .

## آیه ۱۱:

- این آیه برای تحت تاثیر قرار دادن عواطف مشرکان بسیار مؤثر است. می فرماید: اگر اینها توبه کردند، برادر دینی شما هستند. در آیات پیشین فرموده بود: اگر توبه کردند مزاحم اینها نشوید، ولی اینجا می فرماید: در صورت توبه کردن، برادر دینی شما هستید، و این برادری، لطیف ترین تعبیری است که در رابطه با مساوات افراد





در جامعه دینی بیان شده است.

### آیه ۱۲:

-باز می فرماید: اگر پیمان شکنی کردند و آیین شما را مذمت کردند، با آنان پیکار کنید؛ چرا که عهد آنان بی ارزش است. شاید با شدت عمل از رفتار خود دست بردارند.

### آیه ۱۳:

۱- در این آیه، برای تحریک مسلمانان می فرماید: چگونه با پیمان شکنان و کسانی که پیامبر (ص) را از سرزمین خود اخراج کردند، پیکار نمی کنید؟ ظاهراً جمعی بوده اند که از جهاد با کفار مکه واهمه داشتند؛ لذا یادآوری خاطره دردناک اخراج پیامبر (ص)، آنها را تحریک به جهاد کند.

۲- اولاً پیمان شکنی از آنها شروع شد، ثانیاً ترس شما بی جاست. آیا سزاوار است به جای خدا، از افراد بی ایمان بترسید؟

### آیه ۱۴:

۱- خداوند دستور جهاد می دهد که کفار هم مجازات شوند و هم رسوا شوند.  
۲- با رسوایی و مجازات کفار در نتیجه پیروزی مسلمین، گروهی از مؤمنین که تحت شکنجه ی آنها بودند، و قربانی داده بودند، قلوبشان شفا و مرهم می یابد.

### آیه ۱۵:

۱- شکست کفار، غیظ مؤمنین را فرو می نشاند.  
۲- در این آیه، باز هم صحبت از توبه و بازگشت است خداوند توبه کسی را که بخواهد، می پذیرد.

### آیه ۱۶:

۱- تنها با اظهار ایمان، کارها سامان نمی یابد و شخصیت اشخاص روشن نمی شود، بلکه باید آزمایش شوند و آن آزمایشات عبارتند از:  
(۱) جهاد در راه خدا، برای محو آثار شرک؛ (۲) ترک هر گونه رابطه و همکاری با منافقان و دشمنان داخل و خارج؛

۲- باید دقت کرد که آزمایشات الهی برای کشف امر مجهولی نیست، بلکه به معنی پرورش و شکوفا کردن اسرار درون افراد است.

۳- خداوند تبارک و تعالی به عنوان اخطار و تاکید می فرماید «و الله خبیر بما تعملون» و به این نکته اشاره دارد که مبدا تصور کنید که خداوند تبارک و تعالی، از ارتباط های مخفیانه ی افراد با منافقین و دشمنان بی خبر است.







۴- روی سخن به سوی افراد تازه مسلمانی است که حال جهاد ندارند.  
آیه ۱۷ :

۱- تصور این بود که چرا مشرکان حق ندارند مساجد خدا را آباد کنند به هر حال منع رفت و آمد آنها از مسجد الحرام، ضرر به آبادانی مسجد الحرام است .  
۲- آیه در پاسخ توهم بالا می فرماید : مشرکین به خاطر نداشتن ایمان، اعمالشان بی وزن و قیمت است و در جهنم جاودانه اند؛ لذا کوشش آنها برای آبادانی مسجد بی ارزش است، و حتی انبوه جمعیتشان هم فایده ای ندارد .  
آیه ۱۸ :

۱- کسانی که باعث آبادانی مساجد الله می شوند، باید ۵ شرط داشته باشند :  
(۱) ایمان به خدا (۲) ایمان به روز جزا (۳) اهل نماز بودن (۴) اهل زکات بودن (۵) جز از خدا نترسیدن و تحت تاثیر هیچ مقام و قدرتی جز حضرت حق قرار نبودن.  
۲- کسانی که دارای این ۵ خصلت هستند، انشاء الله در آبادی مساجد مؤثرند، و از هدایت شدگانند.

۳- عمران مسجد، معنایی وسیع تر از آبادانی ساختمان و تأسیسات آن دارد . گویا متولیان مساجد، باید از پاک ترین افراد باشند .باید دانست که نیت های ناپاک، نمی تواند عمل پاک به همراه داشته باشد .

۴- به نظر نمی رسد که مفهوم این آیه، به مسجد الحرام تخصیص بخورد .  
۵- در مورد بنای مسجد، از رسول الله (ص) روایت شده است: کسی که مسجدی بنا کند، هر چند به اندازه لانه مرغی باشد، خداوند خانه ای در بهشت برای او بنا خواهد ساخت. و همچنین فرمودند: کسی که چراغی در مسجدی برافروزد، فرشتگان و حاملان وحی، مادام که نور آن چراغ در مسجد می تابد، برای او استغفار می کنند.

۶- بیشترین عمران مسجد، در معنویت مساجد است .  
۷- مسجد باید کانونی برای حرکت و جنبش اسلامی باشد .

آیه ۱۹:

در شأن نزول آیه ۱۹، گفته شده است که: شیبه و عباس هر کدام بر دیگری افتخار می کردند، که علی (ع) از کنار آنها گذشت و پرسید: به چه چیز افتخار می کنید؟ عباس گفت : امتیازی به من داده شده که احدی ندارد ،و آن مسأله آب دادن به حجاج خانه ی خدا است؛ و شیبه گفت: من تعمیر کننده مسجد الحرام و کلید دار کعبه هستم. علی (ع) فرمود: با اینکه از شما حیا می کنم، با این سن کم افتخاری





دارم که شما ندارید. آنها گفتند: کدام افتخار؟ ایشان فرمود: من با شمشیر جهاد کردم، تا شما ایمان به خدا و پیامبر (ص) بیاورید.

عباس خشمگین به سراغ پیامبر (ص) رفت، سپس جبرئیل نازل شد و گفت: ای محمد! (ص) پروردگارت به تو سلام می رساند و می گوید: این آیات را برای آنها بخوان.

آیا سیراب کردن حاجیان خانه خدا و عمران مسجد الحرام را، همانند کار کسی قرار دادید که ایمان به خدا و روز قیامت دارد، و در راه خدا جهاد کرده؟ این دو هیچ گاه در نزد خدا یکسان نیستند، و خدا جمعیت ستمکاران را هدایت نمی کند.

۱- در تاریخ آمده است که «سقایه الحاج» در ردیف کلید دار کعبه و از مهم ترین مناصب بوده است.

۲- باینکه سقایه الحاج، و کلید داری کعبه، احترام فوق العاده دارد، ولی قابل مقایسه با کسی که ایمان به خدا دارد و اهل جهاد است، نمی باشد.

آیه ۲۰:

- در این آیه، در توضیح آیات قبل فرمود: کسانی که ایمان بیاورند و هجرت کنند، و با مال و جان جهاد کنند، مقامی برتر و والاتر دارند.

### آیات ۲۱ و ۲۲:

- خداوند سه موهبت بزرگ، در برابر سه کار مهم «ایمان، هجرت، جهاد» می بخشد.

۱) آنها را به رحمت الهی بشارت می دهد «بیشرهم ربهم برحمة منه».

۲) آنها را از رضای خدا برخوردار می کند «رضوان»

۳) باغهای بهشت را در اختیار آنها می گذارد، که نعمت هایش دایمی است. «خالدین فیها ابدًا»

### آیه ۲۳:

۱- یکی از وسوسه هایی که ممکن است مسلمانان را از جهاد با کفار مکه باز دارد، این است که خویشاوندان جزء طرف مقابل باشند. گاهی پدر مسلمان شده بود و پسر کافر، و گاهی برعکس. جهاد با مشرکان، لازمه اش چشم پوشی از علایق خویشاوندی و قبیله ای است.

۲- از سوی دیگر، ثروت برخی از مسلمین در شهر مکه بود، و ممکن بود در بحث جهاد به ویرانی کشیده شود، لذا آیه نازل شد: که ای کسانی که ایمان آورده اید، پدران و برادران خود را در صورتی که کفر را مقدم دارند یار و متحد و ولی خود





نگیرید که در این صورت از ظالمین هستید.

۳- حفظ دین حق، از روابط خویشاوندی و حفظ ثروت مهم تر است.

آیه ۲۴:

۱- در این آیه، به خاطر اهمیت موضوعی که در آیه ی پیش مطرح شده، خداوند تهدید می کند که اگر پدران و فرزندان و قبیله و اموال شما، محبوب تر از خدا و پیامبر است، در انتظار کیفر شدید باشید. چون تهدید سربسته بیان شده و حشت انگیز تر است.

۲- ترجیح این امور بر رضای خدا، نافرمانبرداری و فسق است «والله لایهدی القوم الفاسقین».

۳- این آیات، مفهومش ترک عواطف انسانی نیست، بلکه برسر دو راهی، باید اجرای حکم الهی را بر هر تعلق دیگری ترجیح داد.

۴- ودر آیه ۱۵ سوره لقمان هم فرموده: اگر پدر و مادر به تو اصرار کردند که شریک برای خدا قرار دهی، هرگز اطاعت مکن؛ ولی در زندگی دنیا با آنها مهربان باش.

۵- این آیات، برای زمان و مکان خاص رسول الله (ص) نیست.

آیه ۲۵:

۱- این آیه، با توجه به سیاق آیه پیشین به کسانی که عشق به فرزند، خانواده و ثروت، روح جهاد را از آنها گرفته، شدیداً اخطار می کند.

۲- مؤمنان راستین نباید نگران باشند، چون خداوند تبارک و تعالی در میدان های بسیاری به آنان یاری داده است. هم در جنگ بدر که تعداد بسیار کم بود، و هم در جنگ حنین که تعداد زیادی داشتند، ولی در حال شکست بودند و سرانجام لطف خدا آنها را نجات داد.

آیه ۲۶:

۱- زمانی که مسلمین در جنگ حنین پراکنده شده و فرار کردند، خداوند آرامش و اطمینان را بر پیامبر(ص) و مؤمنان فرو فرستاد.

۲- خداوند برای یاری مؤمنین، لشکری که نمی دیدند، به یاری آنان فرستاد، تا با آن روحیه مسلمانان را تقویت، و استقامت در جان و دلشان به آنان کمک نماید؛ نه اینکه فرشتگان در جنگ شرکت داشته باشند. در نتیجه، گروهی از کفار پا به فرار گذاشتند و کیفر شدند.

۳- سکینه در اصل، از ماده سکون به معنی یک نوع آرامش و اطمینان است که هر





- گونه شک و دودلی را از انسان دور می کند .
- ۴- سکینه با ایمان رابطه نزدیک دارد. افراد با ایمان موقعی که به یاد خدا می افتند، لطف و رحمت او را در نظر می آورند، و سکینه بر قلوبشان وارد می شود .
- ۵- در بعضی روایات سکینه به ایمان تعبیر شده است .
- ۶- در بعضی روایات سکینه به نسیم بهشتی تعبیر شده است .
- ۷- سکینه موهبت الهی است که انسان در پرتو آن مشکلات خود را هضم می کند .
- ۸- این موهبت تنها نصیب مؤمنین می شود .
- ۹- نزول سکینه بر پیامبر (ص) در میدان حنین برای رفع اضطرابی بود، که از فرار کردن جمعیت پیش آمده بود .

آیه ۲۷:

- ۱- در این آیه باز هم اشاره به توبه می کند، که درب توبه حتی به سوی فرار کنندگان از کفار هم باز است .
- ۲- کلمه یتوب فعل مضارع است، و دلالت بر استمرار دارد. یعنی درب توبه مستمرا گشوده است، زیرا خداوند آمرزنده و مهربان است، و هیچکس را از رحمت گسترده ی خود محروم نمی کند. «والله غفور رحیم»

آیه ۲۸:

- ۱- گفتیم یکی از فرمان های چهارگانه که امیرالمؤمنین علی (ع) در مراسم حج سال ۹ هجری ابلاغ کردند، این بود که مشرکان حق ورود به مسجد الحرام ندارند. دلیل این مطلب در این آیه تقریر می شود :
- مشرکان نجس ، آلوده و ناپاکند.
- «نَجَس» بر وزن هوس معنای مصدری دارد، و به هر گونه پلیدی چه پلیدی حسی و چه باطنی گفته می شود.

- ۲- این آیه در پاسخ به کسانی بود که می گفتند اگر پای مشرکان از مسجد الحرام بریده شود، کسب و کار از رونق می افتد. می فرماید به زودی خداوند از فضلش شما را بی نیاز می کند.

آیه ۲۹:

- ۱- در آیات قبل سخن از وظیفه ی مسلمانان در برابر بت پرستان بود. حال وظیفه ی آنان را در مقابل اهل کتاب روشن می کند.
- ۲- اهل کتاب از آن جهت که دین آسمانی دارند شبیه به مسلمانند، ولی از طرفی مثل مشرکین برای خدا شریک قائل اند. اما به هر حال خداوند اجازه کشتن آنها را



- نمی دهد. در حالیکه مشرکین در آیات قبل کشته شدن بود.
- ۳- اگر اهل کتاب حاضر شوند به عنوان یک اقلیت سالم در جامعه اسلامی زندگی کنند، اسلام حقوق آنها را محترم می شمارد.
- ۴- از نشانه های تسلیم اهل کتاب، پرداخت جزیه است (از ماده ی جزاء)، به معنی مالی که از غیر مسلمانان که در پناه حکومت اسلامی قرار می گیرند گرفته می شود و این نام گذاری برای آن است که آن مال را در مقابل حفظ جان و مالشان پرداخت می کند.
- ۵- اهل کتاب با اینکه خدا و معاد را قبول دارند (علی الظاهر)، در این آیه به نداشتن ایمان به خدا و معاد معرفی می شوند. چون در مورد حقیقت توحید گروهی از یهود عَزِیر را فرزند خدا می دانند. و مسیحیان نیز عموماً قائل به الوهیت مسیح هستند، لذا در توحید دچار شرک می باشند.
- ۶- اهل کتاب در عبادت نیز مشرک بودند (شرک عبادی)، چون عملاً دانشمندان خود را به جای خدا می پرستیدند.
- ۷- اهل کتاب محرمات الهی را حرام نمی شمردند.
- ۸- اصولاً اهل کتاب در برابر آئین حق تسلیم نیستند، یعنی ادیان آنها از مسیر اصلی منحرف شده است. بسیاری از حقایق را به دست فراموشی سپرده اند، و انبوهی از خرافات را به جای آن نشانده اند.
- ۹- پس از بیان خصوصیات اهل کتاب، می فرماید با همه ی این اوصاف اگر یک اقلیت سالم بمانند، می توانند در کنار مسلمین زندگی کنند.
- ۱۰- «صاغر»: از ماده صغر بر وزن پسر به معنی کسی است که به کوچکی راضی شود، و منظور از آن در آیه فوق پرداختن جزیه است که باید به عنوان خضوع در برابر آئین اسلام و قرآن باشد. مثلاً در راه پیشرفت جامعه اسلامی مانع تراشی نکنند.
- آیه ۳۰:

- ۱- در آیه مورد بحث وجه شباهت اهل کتاب و مشرکین بیان می شود. (۱) شرک در عقیده (۲) شرک در عبادت.
- ۲- یهود می گوید عَزِیر پسر خداست، عَزِیر یا عذرا یکی از بزرگان یهود بود، که بعد از واقعه بُخت النصر که شهرهای یهود به کلی ویران شده بود، در زمان کوروش پادشاه ایران پیش او شفاعت یهود را کرد، و یهود به سرزمین خود بازگشت، و دوباره تورات نوشته شد. لذا او را ابن الله نامیدند، لذا برای خدا شریک گرفتند.





- ۳- مسیحیان مسیح را فرزند خدا می نامند، لذا برای خدا شریک قائل هستند.
- ۴- بسیاری از خرافات بودائیان و برهمائیان با معارف انجیل و تورات تطبیق می کند.
- ۵- جمله ی «قاتلهم الله» در آیه ، کنایه از لعنت الهی است. یعنی اینها از رحمت الهی دور هستند.

آیه ۳۱:

- ۱- در این آیه به شرک عملی اهل کتاب اشاره می کند، که آنها دانشمندان و راهبان را می پرستند، به جای اینکه پروردگارشان را پرستند. به این معنا که پیشوایانشان حرام خدا را حلال و حلال خدا را حرام کردند، و اینها پذیرفتند و تبعیت کردند، در حالیکه قانون گذاری مخصوص خداست .
- ۲- در پایان می فرماید تمام این بشر پرستی ها بدعت و از مسائل ساختگی است، در صورتی که باید معبود واحد را پرستش کرد.

